

راهبرد آمریکا در ایندوپاسیفیک: مطالعه موردی آکوس

طه اکرمی^{۱*}

چکیده

سه کشور استرالیا، بریتانیا و آمریکا توافقی امنیتی را در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱ منعقد کردند که اگرچه در ظاهر مخاطب خاصی نداشت، اما منجر به واکنش شدید چین، روسیه، فرانسه و اتحادیه اروپا گردید. هریک از این کشورها دغدغه خود را از این توافق داشتند به طوری که چین و روسیه آن را تهدید علیه خود دانسته و اتحادیه اروپا و فرانسه نیز بابت بی‌اطلاعی و لغو قرارداد زیردریایی فرانسه خشمگین شدند. این پژوهش در نظر دارد با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و بکارگیری مفهوم «برتری‌گرایی نوین»، به تبیین آکوس، ضرورت این توافق در راهبرد آمریکا و در نهایت به پیامدهای آن پردازد. لذا سوال اصلی مقاله آن است که راهبرد آمریکا با تاکید بر توافق آکوس، نسبت به منطقه ایندوپاسیفیک چیست و این توافق چه پیامدهایی را در پی خواهد داشت؟ فرضیه نیز آن است که راهبرد آمریکا مواجهه مستقیم با چین است؛ حال آنکه راهبرد اروپا ممانعت از ورود به رقابت قدرت‌های بزرگ و مواجهه مستقیم با چین می‌باشد. از این رو آمریکا با حذف اتحادیه اروپا و بویژه فرانسه، برای پاسخگویی به چالش‌ها و تهدیدات، سازوکاری مستقل را تشکیل داد تا از این طریق خطاری به سایر متحدان و شرکا خود بدهد. مهمترین پیامدها نیز عبارتند از تضعیف پایبندی به عدم اشاعه هسته‌ای، افزایش رقابت تسلیحاتی، کاهش اعتماد اروپایی‌ها به آمریکا، تهاجمی‌تر شدن چین در منطقه و حرکت بیشتر به سمت استقلال راهبردی اروپا.

واژگان کلیدی: آکوس، ایندوپاسیفیک، آمریکا، استرالیا، انگلیس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش‌آموخته دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

* tahaakrami@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و پنج، صص ۱۸۲-۱۵۱

مقدمه

توافقنامه امنیتی سه جانبه آکوس^۱ در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱ میان استرالیا، بریتانیا و آمریکا منعقد شد و اگرچه ظاهراً چین را به عنوان هدف خود اعلام نکرد، اما با واکنش شدید این کشور روبرو گردید. سایر کشورها نیز واکنش‌های مختلفی را از خود نشان دادند که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به واکنش فرانسه و فراخواندن سفرای خود از کشورهای آمریکا و استرالیا اشاره کرد. این توافق شامل مواردی از جمله همکاری در زمینه هوش مصنوعی، فناوری کوانتومی، سایبری و قابلیت‌های زیردریایی می‌باشد که برای سه کشور عضو آن، اهمیت راهبردی زیادی دارد تا جایی که بوریس جانسون در این رابطه گفته است که «این شراکت بیش از پیش برای دفاع از منافع ما و ... حفاظت از مردم ما حیاتی خواهد بود (Hawke, 2021)». نقطه شروع این شراکت نیز موضوع جنجال برانگیز برنامه ساخت زیردریایی هسته‌ای استرالیا است که خود، حساسیت‌ها را دوچندان نموده است. توافق آکوس، که آن را می‌توان شراکتی امنیتی-دفاعی نیز دانست، به دنبال تقویت ارتباطات دوجانبه میان کشورهای عضو، توانمندسازی استرالیا به عنوان خط مقدم مهار چین، فشار به کشورهای منطقه و جهان به منظور تعیین موضع خود، تقویت پرستیژ جهانی بریتانیا، بازگشت اعتبار به آمریکا، مهار چین و پاسخگویی به دغدغه امنیتی مشترک می‌باشد. توافق مذکور بر «یکپارچگی عمیق‌تر در حوزه‌های مرتبط با علوم امنیتی و دفاعی، فناوری، صنعتی و زنجیره تامین» تاکید دارد و آمریکا و بریتانیا قصد دارند با توجه بر «سنت مشترک به عنوان دموکراسی‌های دریایی»، زیردریایی هسته‌ای را به استرالیا واگذار کنند؛ بدین معنی که آمریکا، فناوری پیشران هسته‌ای را که تاکنون فقط با بریتانیا به اشتراک گذاشته بود، به استرالیا نیز خواهد داد. علاوه بر آن، به موجب این توافق بنا شده تا دست‌کم هشت زیردریایی به ناوگان نظامی استرالیا تحویل داده شود. لازم به ذکر است که بنا به آکوس، قرارداد فرانسه مبنی بر ساخت زیردریایی‌های دیزلی با استرالیا بدون آنکه کوچک‌ترین اطلاعی از پیش به او داده باشند، لغو گردید که این امر موجب نارضایتی و واکنش شدید این کشور شد. همچنین با توجه به جدید بودن موضوع آکوس، ادبیات آکادمیک چندانی برای آن تولید نشده است. با این

¹ The AUKUS Agreement

حال برخی از پژوهشگران به ابعادی از آن پرداخته‌اند. مهمترین بُعدی که عمدتاً در آثار تولید شده وجود دارد، توجه به تاکید آکوس بر فناوری است که با تکیه بر این موضوع، برخی نظیر هارش پانت و راهول کامات به بهره‌گیری آمریکا از آن در جهت گسترش حوزه نفوذ خود در شرق آسیا اعتقاد دارند. به عبارت دیگر آن‌ها معتقدند آکوس در جهت تقویت نفوذ آمریکا در منطقه ایندوپاسیفیک می‌باشد. البته برخی نظیر نویتا از آن فراتر رفته و آکوس را در راستای تقویت هژمونی آمریکا و ایجاد بازدارندگی آن در برابر هرآنچه که ممکن است تسلط این کشور را تضعیف سازد دانسته‌اند (Novita, 2022: 11). در این راستا، نویتا معتقد است که آمریکا چاره‌ای جز همکاری با متحدان قدیمی خود و استفاده از ائتلاف‌ها و اتحادها ندارد.

بعد دیگر مورد توجه در ادبیات، نگاه کشورهای فرانسه، بریتانیا و استرالیا است که این نگاه عمدتاً به صورت سیاسی و کلی مورد توجه قرار گرفته و اسناد بالادستی و به خصوص نظامی و مفاد آن‌ها عمدتاً مغفول مانده‌اند که از این جمله می‌توان به وان و میکس اشاره کرد. گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا به قلم بروس وان و درک میکس عمدتاً به موارد سیاسی کشورهای آمریکا، استرالیا و بریتانیا اشاره داشته و از اسناد نظامی و راهبردی و مفاد آنها غفلت کرده است. گزارش مذکور همچنین ضمن اشاره به تقویت روابط دفاعی و اطلاعاتی آمریکا با استرالیا در نتیجه آکوس، آن را پاسخی از طرف دولت بایدن در رابطه با دغدغه‌های امنیتی متحدان آمریکا در شرق آسیا دانسته است (Vaughn & Mix, 2022: 8). البته در خصوص علت تشکیل آن اجماع وجود نداشته و کار، آن را نتیجه واگرایی استرالیا از آمریکا و انجام برخی اقدامات توسط آن کشور نظیر عضویت در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، توافق تجارت آزاد با چین، عدم انجام عملیات‌های دریانوردی مورد مطالبه آمریکا در دریای جنوبی چین و ... بیان نموده است. (Carr, 2022: 58)

ابوندانزا نیز به صورت کلی و عمدتاً با تکیه بر رویکرد سیاسی به موضع اتحادیه اروپا پرداخته و تاکید خود را بر لزوم اتخاذ رویکرد هیبریدی توسط اروپا در قبال منطقه ایندوپاسیفیک گذاشته است. او پیشنهاد می‌کند که اروپا ضمن عدم انجام مواجهه غیرضرور با چین، دست به همکاری‌های جدید اقتصادی در این منطقه (به خصوص با

چین) بزند. (Abbondanza, 2021: 13) آخرین بُعد نیز توجه به روابط میان استرالیا و فرانسه پس از اعلام پیمان آکوس است. استرانتون و دی، ضمن اذعان به تضعیف روابط آن‌ها پس از آکوس، به مقوله اعتماد در روابط بین‌الملل و نقش آکوس در تغییر روابط میان استرالیا و فرانسه پرداخته‌اند (Staunton & Day, 2022: 21). آنچه در ادبیات موجود مفقود است و به آن توجهی نشده است، بررسی اسناد بالادستی بویژه اسناد عملیاتی، راهبردی، امنیتی و نظامی آمریکا و اروپا در رابطه با منطقه ایندوپاسیفیک است. علاوه بر آن، هیچ‌یک از منابع مذکور نتوانستند آکوس و مفاد آن را به راهبرد نظامی و دریایی کنونی آمریکا پیوند زنند. در نهایت نیز پیامدها موضوع دیگری است که به ندرت در ادبیات به آن پرداخته شده است.

از این رو، در این مقاله تلاش خواهد شد تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن توجه به موارد اشاره نشده در ادبیات موجود، راهبرد آمریکا و اتحادیه اروپا به منطقه ایندوپاسیفیک و همچنین نگاه این بازیگران نسبت به این توافق مورد بررسی قرار گیرد. لذا سوال اصلی مقاله آن است که راهبرد آمریکا با تاکید بر توافق آکوس، نسبت به منطقه ایندوپاسیفیک چیست و این توافق چه پیامدهایی را در پی خواهد داشت؟ فرضیه نیز آن است که در حالی که اروپا به دنبال ممانعت از مواجهه مستقیم با چین است، آمریکا در پی کسب برتری (به خصوص نظامی) در منطقه و مواجهه مستقیم با چین است و توافق آکوس نیز ضمن تشدید تنش‌ها و رقابت تسلیحاتی در منطقه، منجر به حرکت اروپا در مسیر قطب‌نمای راهبردی، تضعیف پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و فشار به کشورها به منظور مشخص کردن موضع خود در قبال چین خواهد شد. در ادامه نیز به بررسی توافق آکوس، نگاه و راهبرد آمریکا، اروپا، استرالیا، بریتانیا پرداخته شده و در نهایت پیامدهای آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. رهیافت مفهومی

به نظر می‌رسد راهبرد آمریکا در منطقه شرق آسیا را می‌توان با مفهومی به نام «برتری‌گرایی نوین»^۱ تبیین کرد. «برتری‌گرایی نوین» شاخه‌ای از برتری‌گرایی کلاسیک تلقی می‌شود که بیان می‌کند تک قطبی آمریکا تحت رقابت شدید با چین است و به

1 Neo-Primacy

زودی پایان خواهد پذیرفت. این راهبرد همچنین بیان می‌کند که آمریکا باید به منظور مقابله با ظهور چین، قدرت خود را بازسازی کرده و در توانمندی‌های اقتصادی و نظامی سرمایه‌گذاری کند. مفهوم برتری‌گرایی نوین بر این عقیده است که این سرمایه‌گذاری‌ها باید در زمینه‌هایی باشند که برای برتری‌گرایی آمریکا اهمیت دارند. از این رو برخی بر قدرت اقتصادی و تکنولوژیکی تاکید دارند و برخی دیگر بر قدرت نظامی. ممانعت از قدرت گرفتن چین به لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی و همچنین ممانعت از دسترسی آن به فناوری‌های پیشرفته، از دیگر موضوعاتی است که مورد تاکید این مفهوم است. برتری‌گرایی نوین معتقد است پیروی از مسیر گفته شده، آمریکا را در باز پس‌گیری نقش رهبری‌اش در جهان و بازداشتن رقبا از به چالش کشیدن منافع آن، کمک خواهد کرد و چین را تبدیل به بازیگری می‌کند که دارای توانمندی و یا تمایل کمتر به رقابت با تسلط آمریکا است (Shifrinson, 2020: 83). به عبارت ساده‌تر، در حالی که برتری‌گرایی کلاسیک به دنبال منصرف ساختن رقبای نزدیک از ظهور و به چالش کشیدن آمریکا است، برتری‌گرایی نوین درصدد بازپس‌گیری تسلط آمریکا از طریق پیشی گرفتن از سایر قدرت‌هاست.

به طور کلی می‌توان عناصر راهبرد «برتری‌گرایی نوین» را به شرح ذیل خلاصه نمود:

- I. ظهور چین خطری بالقوه برای تک‌قطبی آمریکایی است و به رهبری آمریکا ضربه خواهد زد؛
- II. به منظور حفظ و کسب تسلط جهانی، آمریکا باید با چین رقابت داشته باشد؛
- III. آمریکا باید روندهای کنونی توزیع قدرت را، در جهت مطلوب منافع خود، تغییر و حتی معکوس سازد؛
- IV. آمریکا باید مزیت‌های ژئوپلیتیکی خود را پس از جنگ سرد بازسازی و احیا سازد؛
- V. راهبرد برتری‌گرایی نوین دارای نوعی تناقض درونی است. بدین معنی که بنا به ذات تهاجمی آن، ممکن است استمرار این راهبرد، آمریکا را تبدیل به چالشگر عمده وضع موجود سازد؛

- VI. آمریکا باید سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری را در زمینه توانمندی‌های اقتصادی و نظامی به منظور بازسازی قدرت خود و حتی ساختن ظهور چین صورت دهد؛
- VII. آمریکا باید در زمینه فناوری‌های نظامی نسل بعدی به منظور کسب مزیت و برتری در رابطه با لبه فناوری، سرمایه‌گذاری نماید؛
- VIII. آمریکا باید متحدانی که می‌توانند با چین رقابت کنند جذب نماید؛
- IX. آمریکا باید ظهور سیاسی، نظامی و اقتصادی چین را کند و دسترسی آن به فناوری‌های پیشرفته را مسدود سازد؛
- X. آمریکا باید نفوذ ژئوپلیتیکی، اقتصادی و ایدئولوژیکی چین را کاهش دهد. (Shifrinson, 2020: 80-92)

۲. رویکرد آمریکا

افزایش حضور و تاکید بر منطقه شرق آسیا به طور رسمی از دوره ریاست جمهور باراک اوباما و اعلام «چرخش به شرق» توسط او (در سال ۲۰۱۱) آغاز گشت که این روند با گذشت زمان و در دوره‌های بعدی ریاست جمهوری در آمریکا نیز با شدت و وسعت بیشتری ادامه یافت. اما ایده «راهبرد ایندوپاسیفیک» به طور خاص از دوره دونالد ترامپ مطرح شد که این امر نشان‌دهنده افزایش نقش هند در مناسبات این منطقه در راهبرد آمریکا می‌باشد که در سایر اسناد بالادستی آمریکا نیز از آن عبارت استفاده شده است. به عنوان مثال در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ بیان گردید که چین به دنبال بیرون کردن آمریکا از منطقه ایندوپاسیفیک، گسترش مدل اقتصادی دولت محور و ایجاد نظم مطلوب خود در منطقه می‌باشد» (NSS, 2017: 9). در ژوئن سال ۲۰۱۹ نیز وزارت دفاع آمریکا، دومین سند راهبردی در این رابطه را تحت عنوان «گزارش راهبرد ایندوپاسیفیک: آمادگی‌ها، شراکت‌ها و پیشبرد یک منطقه شبکه‌ای^۱» منتشر کرد. در این سند وزارت دفاع به وضوح به اولویت راهبردی این منطقه و تلاش چین برای بازنظم دهی به منطقه و تلاش آن برای مدرن‌سازی نظامی، عملیات‌های نفوذ و فشارهای

اقتصادی به سایر کشورها اشاره کرده است (US Department of Defense, 2019: 15). طبق این سند، راهبرد آمریکا برای مقابله با این چالش، همکاری با متحدان و شرکا قلمداد شده است. علاوه بر آن، پنتاگون نام «فرماندهی آرام» خود را نیز به «فرماندهی ایندوپاسیفیک» تغییر داد که این امر نیز معنادار بود. آخرین سند بالادستی که در دوره ترامپ به این مفهوم و راهبرد آمریکا در منطقه اشاره داشت، سند «ایندوپاسیفیک آزاد و باز: توسعه یه تصور مشترک^۱» می‌باشد که در آن مجدداً بر همکاری با شرکا و به خصوص هند (به عنوان یک شریک راهبردی) برای مقابله با چالش‌های مشترک و همچنین لزوم ایجاد برخی زیرساخت‌ها در منطقه بدین منظور، تاکید شده است (US Department of Defense, 2019: 11). بایدن نیز ضمن تقویت و تشدید رقابت راهبردی با چین، بر این مفهوم تاکید داشته است. ذولت بایدن در سند «راهنمای موقت راهبرد امنیت ملی^۲» در سال ۲۰۲۱ ضمن اشاره به لزوم وجود ارتباطات عمیق با منطقه ایندوپاسیفیک، بر همکاری و همچنین تقویت حضور در این منطقه تاکید داشته است (NSS, 2021: 16).

در این راستا، از نشانه‌های همسویی دولت‌های بایدن و ترامپ می‌توان به تلاش مایک پمپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا در جولای ۲۰۲۰ به منظور ایجاد گروه‌بندی جدیدی از کشورهای هم‌فکر و تشکیل اتحاد جدیدی از دموکراسی‌ها برای مواجهه با چالش چین (Pompeo, 2020) و همچنین خواست بایدن مبنی بر تقویت روابط استراتژیک هند و آمریکا و حفظ ایندوپاسیفیکی ایمن و باشکوه، اشاره کرد (Biden, 2020).

در حال حاضر آمریکا یکی از قدرت‌های نظامی مسلط در منطقه ایندوپاسیفیک است که دارای سازوکار دفاعی امنیتی با سایر کشورهای منطقه نظیر ژاپن و استرالیا است. این کشور همچنین عامل اصلی سازوکار «گفتگوی امنیتی چهار جانبه^۳» موسوم به کواد است که اعضای آن آمریکا، ژاپن، هند و استرالیا می‌باشند. اعضا این گروه به دنبال گسترش همکاری‌ها در رابطه با فناوری، تغییر اقلیم و واکسن‌های کوید-۱۹ در منطقه می‌باشند. آمریکا در حال حاضر در تلاش است تا همکاری‌های امنیتی و مشارکت فعال متحدان و

¹ Free And Open Indo-Pacific: Advancing A Shared Vision

² Interim National Security Strategy Guidance

³ Quadrilateral Security Dialogue (Quad)

شرکا را در منطقه شاهد باشد که جدیدترین اقدام این کشور از این دست، توافق آکوس است. در این رابطه لازم به ذکر است که دولت بایدن سه محور فعالیت اصلی در قبال چین دارد که عبارتند از موازنه‌سازی^۱، دستورسازی^۲ و مدیریت رقابت که مورد اول یعنی موازنه‌سازی امری است که عمدتاً از طریق آکوس بنا است تا تقویت شود. اما محور دیگر، یعنی دستورسازی، در دستور کار کواد است؛ بدین معنی که کواد در حال ارتقاء سه کارکرد تامین کالاهای عمومی منطقه‌ای، افزایش تاب‌آوری متقابل و ایجاد استاندارد برای فناوری‌های حیاتی و در حال ظهور می‌باشد. در این راستا باید گفت که کواد برخلاف آکوس که پیمانی نظامی است، دارای محورهای بیشتری بوده و هدف آن ایجاد ایندوپاسیفیکی آزاد و باز است، اگرچه به موضوعات بین‌المللی نیز توجه دارد. حال آنکه آکوس دارای محورهای همکاری در زمینه هوش مصنوعی، جنگ سایبری، توانمندی‌های زیرسطح دریا، زیردریایی هسته‌ای و ... است. محور سوم نیز شامل برخی تلاش‌ها در رابطه با انجام رقابت مسئولانه است که تاکنون دستاورد خاصی در پی نداشته است (Satoru, 2022: 89).

توافق آکوس در حالی منعقد گردید که انتظارات جهانی از رابطه آمریکا با بریتانیا (پس از برگزیت) افزایش همکاری‌های نظامی، اقتصادی و راهبردی بود. در این حین، بریتانیا نیز در مسیر افزایش نقش خود در جهان، به خصوص در زمینه تجارت بین‌الملل تلاش می‌کرد. اما از طرف دیگر نیز روابط آمریکا با فرانسه پس از روی کار آمدن بایدن به نحوی بود که به نظر می‌رسید در دوره امانوئل ماکرون، فرانسه به دنبال جایگزینی بریتانیا در روابط ویژه با آمریکا است. با این حال فرانسه تمایل چندانی بر افزایش تنش‌ها و خصومت با چین نداشت و این امر بر نوع نگاه آمریکا به فرانسه و به طور کل اروپا، تاثیرگذار بوده است. بی‌عملی اروپا بر سر افزایش تنش‌ها میان روسیه و اوکراین و بسنده کردن آن‌ها به صرف مذاکره با روسیه، نشان داد که اروپاییان دارای انعطاف‌پذیری تاکتیکی هستند و در صورت وجود بحران در ایندوپاسیفیک نیز ممکن است همین رویه را در پیش گیرند که این امر مطلوب آمریکا نیست. از این روی، آمریکا که به دنبال ایجاد نظم جدیدی در ایندوپاسیفیک است از طریق آکوس تلاش کرد تا دستور کار

¹ Balancing

² Order Building

امنیتی و سیاسی متحدان خود و به خصوص دو کشور استرالیا و بریتانیا را با خود همسو سازد و حتی گمانه‌هایی در رابطه با ایجاد ناتوی آسیایی نیز زده شده است. بنابراین به موجب این توافق بنا است تا بخشی از راهبرد بلند مدت آمریکا نسبت به منطقه ایندوپاسیفیک، به خصوص در بعد نظامی و فناورانه، پاسخ داده شود. در این راستا آمریکا در نظر دارد تا با انتقال دانش و فناوری به کشور متحد خود یعنی استرالیا، هزینه‌ها را بر دوش این کشور انداخته و ضمن کاهش هزینه‌ها، کمبود نیرو و تجهیزات خود را نیز جبران کند که مهمترین محور آن، موضوع زیردریایی هسته‌ای است.

آمریکا در راهبرد هسته‌ای خود در نظر داشت تا تولید زیردریای‌های هسته‌ای تهاجمی‌اش را از حدود ۵۰ عدد در اواخر دوره ترامپ، به ۷۰-۸۰ عدد افزایش دهد که این اقدام، نیازمند نیرو، هزینه و زمان زیادی بود. از این رو، ابتکار آکوس می‌تواند به آمریکا کمک شایانی در جبران این کمبود نماید. (Cancian, 2020: 13)

علاوه بر آن، این پیمان در کوتاه مدت با اعمال فشار در منطقه خاکستری و همزمان تقویت بازدارندگی متعارف، چین را نسبت به اعمال فشار و تجاوز به تایوان، ژاپن و سایر کشورهای منطقه بازخواهد داشت. اما در بلندمدت نیز آمریکا درصدد عبور از توان اقتصادی، فناورانه و نظامی چین می‌باشد. در این راستا آمریکا به دنبال امنیت مشارکتی بوده و تیم بایدن معتقد به اتحادها و امنیت شبکه‌ای شده با متحدان و شرکا می‌باشند. این توافق با کاهش هزینه‌های آمریکا، خود نوعی سرمایه‌گذاری در بلندمدت محسوب می‌شود که از آن تحت عنوان «خروج سرمایه برای سرمایه‌گذاری^۱» نیز یاد می‌شود. اقدامات صورت گرفته تا کنون توسط آمریکا در این راستا عبارتند از:

۱. انتقال بخش زیادی از ناوگان به اقیانوس آرام؛
۲. ارسال کشتی‌ها و هواپیماهای جدیدی و توانمند به همراه بهترین پرسنل به منطقه؛
۳. افزایش عملیات‌های عمومی، آموزش‌ها، تمرین‌ها، توسعه‌ها و همچنین تعامل و همکاری با متحدان در منطقه؛
۴. افزایش حجم نیروی دریایی در آینده؛

۵. توسعه و افزایش برنامه‌ها برای کسب فناوری‌های نظامی جدید و به تبع آن کشتی‌ها، هواپیماها، اجسام بدون سرنشین و تسلیحات جدید؛
۶. توسعه مفاهیم عملیاتی جدید برای مواجهه با راهبرد ضددسترسی/ممانعت منطقه‌ای^۱ چین؛
۷. اعلام حرکت آمریکا به سمت طراحی ناوگانی توزیع شده در آینده و دارای کشتی‌های بزرگ کمتر و کشتی‌های کوچک‌تر بیشتر و همچنین حضور اجسام بدون سرنشین (O'Rourke, 2021: 6).
- سایر اقداماتی که آمریکا پس از آکوس در نظر دارد و حتی از دیگر علل تشکیل آن نیز محسوب می‌شوند، عبارتند از:
- I. افزایش و تنوع بخشی به حضور در منطقه و ایجاد یک کارگروه دریایی دائمی در منطقه به منظور مقابله با چین؛
 - II. سوق‌دهی به پیمان‌ها و همکاری‌های امنیتی-دفاعی در منطقه از دوجانبه به سمت سه (آمریکا-ژاپن-استرالیا، آمریکا-استرالیا-هند) و یا چهارجانبه (آمریکا-ژاپن-هند-استرالیا)؛
 - III. کاهش تمرکز بر اروپا و حتی ناتو و حرکت به منطقه ایندوپاسیفیک به عنوان محور اصلی فعالیت‌ها؛
 - IV. اولویت‌بخشی بر بازدارندگی و سپس پیشبرد ارزش‌ها و استانداردهای مطلوب آمریکا؛
 - V. واداشتن بازیگران منطقه‌ای نظیر اندونزی و تایلند و حتی اروپاییان به اعلام صریح موضع در قبال چین و مشخص کردن مرزبندی‌ها؛
 - VI. تلاش برای احیا مجدد اعتبار در میان متحدان و شرکا به خصوص پس از خروج از افغانستان؛
 - VII. تجهیز و تقویت استرالیا به عنوان مهمترین بازیگر در برابر چین.
- با این حال، این توافق، ضعف دولت کنونی آمریکا در ارزیابی واکنش متحدان را نیز نشان داد و به نظر می‌رسد آمریکا انتظار موضع‌گیری اروپا و به خصوص واکنش بسیار

تند فرانسه را نداشت. مهمترین علت در این عدم تشخیص را می‌توان در تعلق سنا در تایید نامزدها برای تصدی برخی پست‌ها در وزارت امور خارجه و به خصوص برای سفارت در کشورهای اروپایی دانست. در نهایت باید گفت از آنجایی که هم مقابله با چالش چین و هم لزوم حمایت از استرالیا مورد توافق هر دو حزب آمریکا می‌باشد، لذا توافق آکوس و به خصوص موضوع به اشتراک‌گذاری فناوری پیشران هسته‌ای با استرالیا نیز مورد حمایت دوحزبی در کنگره آمریکا خواهد بود و بنابراین تصویب آن با مشکل جدی در کنگره مواجه نخواهد شد.

۱۶۱

۲،۱. نقش زیردریایی‌های هسته‌ای برای آمریکا

مهمترین کارکردی که زیردریایی‌های هسته‌ای برای آمریکا خواهند داشت، نقش آن‌ها در مقابله با توانمندی ضددسترسی/منع منطقه‌ای چین است. آمریکا در سند دکترینی خود تحت عنوان «مفهوم نبرد هوا-دریا»^۱ توانمندی ضددسترسی/منع منطقه‌ای چین را چالش و تهدیدی بیان کرده است که توانایی آمریکا و نیروهای متحدش را برای نبرد و انجام نبرد موثر به چالش می‌کشد (Air Sea Battle Office, 2013: 21). بنا به این سند دکترینی، «هر نیرویی که در جهت ممانعت از دسترسی جامعه بین‌المللی به آب‌های بین‌المللی اقدام کند، تهدید است و آمریکا نه عقب‌نشینی کرده و نه تسلیم آن نیرو خواهد شد» (U.S. Naval War College, 2013: 26). سند «عملیات‌های دریایی مشترک» آمریکا در سال ۲۰۲۱ بیان کرده است که «انجام عملیات‌های جنگی در زیردریا به منظور ایجاد تسلط در این منطقه و به منظور ممانعت از استفاده موثر نیروهای دشمن از سیستم‌ها و تسلیحات زیردریایی صورت می‌گیرد» (Joint Publication 3-32: 2021) که انجام این عملیات‌ها از طریق زیردریایی‌های تهاجمی و تدافعی محقق می‌گردد. از این رو، جنگ زیردریا و زیردریایی‌ها نقش بسیار مهمی در راهبرد آمریکا پیدا می‌کنند چرا که آن‌ها (به خصوص زیردریایی هسته‌ای) نقش بسزایی در مبارزه با توانمندی ضددسترسی/منع منطقه‌ای دارند و این امر علت اصلی اهمیت زیردریایی‌های هسته‌ای است که در توافق آکوس نیز به آن اشاره شده است. در رابطه با مبارزه با توانمندی ضددسترسی/منع منطقه‌ای امکان انتخاب دو گزینه از میان زیردریایی‌های تهاجمی وجود



راهبرد آمریکا در
ایندوپاسیفیک:
مطالعه موردی
آکوس

دارد که یکی زیردریایی‌های تهاجمی متعارف موسوم به SSK و دیگری زیردریایی‌های تهاجمی هسته‌ای موسوم به SSN می‌باشند که یا آمریکا باید خود آن‌ها را تامین کند و یا متحدان و شرکا تامین آن را برعهده گیرند که به نظر می‌رسد طبق آکوس، آمریکا در حال حرکت به سمت گزینه دوم است. در رابطه با زیردریایی‌های هسته‌ای باید گفت که به طور کل نیروی دریایی آمریکا سه نوع زیردریایی هسته‌ای دارد:

۱. زیردریایی هسته‌ای مجهز به موشک بالستیک یا SSBN؛
۲. زیردریایی هسته‌ای مجهز به موشک کروز SSGN؛
۳. زیردریایی هسته‌ای تهاجمی SSN.

همان طور که اشاره شد، آنچه در آکوس صحبت شده است از نوع سوم می‌باشد که دارای کارکردها و وظایفی در طول بازه جنگ و صلح است. این وظایف عبارتند از:

۱. عملیات اطلاعاتی، نظارت و شناسایی پنهان؛
۲. تقویت پنهانی نیروهای عملیات ویژه؛
۳. انجام حملات پنهان علیه اهداف زمینی با موشکهای کروز تامپاک؛
۴. انجام جنگ مین تدافعی و تهاجمی؛
۵. جنگ ضدزیردریایی؛
۶. جنگ ضد سطح کشتی (O'Rourke, 2017: 16).

در رابطه با اهمیت زیردریایی تهاجمی باید گفت که در حین جنگ سرد، جنگ ضدزیردریایی علیه زیردریایی‌های شوروی اولویت و ماموریت اول زیردریایی‌های تهاجمی آمریکا بود، اگرچه سایر عملیات‌های ذکر شده نیز انجام می‌شدند. اما پس از جنگ سرد، اگرچه ماموریت جنگ ضدزیردریایی حفظ شد، اما تمرکز بیشتر بر انجام سایر ماموریت‌های ذکر شده بود. در دوره کنونی به نظر می‌رسد با توجه به شرایط راهبردی و تاکید بر رقابت با قدرت‌های بزرگ، جنگ ضدزیردریایی با روس‌ها و چینی‌ها ممکن است مجدداً زیردریایی‌های هسته‌ای تهاجمی اولویت اول آمریکا قرار گیرد.

ضرورت دیگر حرکت به سمت انتقال فناوری ساخت زیردریایی هسته‌ای و ارتقا آن، پیشرفت فناورانه سایر کشورها و به خصوص چین است که این امر، مزیت و برتری

آمریکا را دچار فرسایش نموده است تا جایی که فرمانده فرماندهی ایندوپاسیفیک^۱ ارتش آمریکا، دریاسالار فیلیپ دیویدسون^۲ در سال ۲۰۱۸، برتری زیردریایی آمریکا را «مزیتی در حال نابودی»^۳ توصیف کرد (Kajiwara, 2020: 202). از این رو حرکت به سمت زیردریایی و زیردریایی بدون سرنشین، از حوزه‌های جدید رقابت میان چین و آمریکا خواهد بود که آکوس به آن پاسخ خواهد داد.

همچنین در رابطه با تفاوت میان زیردریایی هسته‌ای و دیزلی (که بنا بود فرانسه آن‌ها را بسازد) نیز می‌توان گفت که مهمترین تفاوت آن‌ها در منبع تامین انرژی است. به عبارت دیگر، تفاوت اصلی آن‌ها در منبع تامین انرژی است که نوع دیزلی از سوخت فسیلی و نوع دیگر از اورانیوم غنی‌شده استفاده می‌کند؛ این امر در سرعت، قابلیت و نوع مأموریت آن‌ها تاثیرگذار است (Choi, 2020: 31). علاوه بر آن، زیردریایی دیزلی دارای سرعت، دامنه و نوع تجهیزات کمتری می‌باشد و نسبت به زیردریایی هسته‌ای، در عمقی بالاتر و نزدیک‌تر به سطح حرکت می‌کند. اما این نوع از زیردریایی صدای کمتری نسبت به نوع هسته‌ای آن تولید می‌کند و برای عملیات‌های کرانه‌ای مناسب‌تر است. زیردریایی دیزلی همچنین دارای طول کمتر بوده و باریک‌تر از زیردریایی‌های هسته‌ای می‌باشد و ریسک در گل گیر کردن آن نیز کمتر است (Choi, 2020: 33). اما از طرف دیگر زیردریایی هسته‌ای توان ماندگاری بیشتری در آب دارد و انرژی آن هر ۷-۱۰ سال نیاز به تامین مجدد دارد. این نوع زیردریایی می‌تواند با توجه به ظرفیت محدود تامین غذا برای ۶۰ نفر پرسنل، در حدود ۷۰ روز در زیر آب بماند. علاوه بر آن، زیردریایی هسته‌ای می‌تواند در عمق بیشتری حرکت کرده و هر نوع تجهیزاتی را همراه خود داشته باشد (Choi, 2020: 33).

علاوه بر ضرورت راهبردی آمریکا که حضور این نوع از زیردریایی‌ها را توجیه می‌سازد، استرالیا نیز به ضرورت وجود افزایش توان تهاجمی خود اشاره داشته است. استرالیا در سال ۲۰۲۰ به وضوح به لزوم کسب توانمندی در ۵ حوزه عملیاتی اطلاعات و سایبر، دریا، هوا، فضا و زمین اشاره داشته است که در بعد دریایی، افزایش تعداد

1 USINDOPACOM

2 Philip Davidson

3 A Perishable Advantage

زیردریایی پیشرفته و توانمندی‌های تهاجمی پیشرفته به خصوص در جنگ علیه زیردریایی و کسب زیردریایی تهاجمی مورد تاکید قرار گرفته است (Force Structure Plan, 2020: 5). البته بیشتر کانادا و کره جنوبی نیز به دنبال دستیابی به این فناوری بوده‌اند. کانادا در سال ۱۹۸۸ به دنبال دستیابی به زیردریایی اتمی از فرانسه یا بریتانیا بود که در نهایت توانست علی‌رغم مخالفت وزارت دفاع و وزارت انرژی آمریکا، با فشار بریتانیا، مجوز کسب این نوع زیردریایی را از رییس جمهور وقت آمریکا، رونالد ریگان کسب کند؛ اگرچه تولید آن‌ها تا کنون صورت نگرفته است. احتمال موافقت آمریکا با فروش زیردریایی اتمی و یا انتقال فناوری ساخت آن به کره جنوبی نیز بسیار ضعیف است و با استناد به «توافق ۱۲۳» آمریکا با کره جنوبی، کره چنین امکانی را نخواهد داشت. از این رو کره شمالی ممکن است به دنبال خرید زیردریایی هسته‌ای کلاس باراکودا^۲ از فرانسه حرکت کند که هزینه خرید هریک از آن‌ها ۲۳۳۰ میلیون دلار است. کره جنوبی سال‌ها پیش بنا به تهدید کره شمالی، از توانمندی‌های مرتبط با نیروی دریایی آب‌های آبی^۳ به سمت جنگ‌های دریایی کرانه‌ای^۴، جنگ زیردریایی^۵ و جنگ ضدزیردریایی^۶ حرکت کرده است (Choi, 2020: 33).

۳. نگاه اروپا

توافق آکوس بدون شک بر روابط فرآتلانتیکی تاثیرگذار خواهد بود؛ چرا که فرانسه، به عنوان مهمترین بازیگر شکل‌دهنده به راهبرد ایندوپاسیفیکی اتحادیه اروپا، نه تنها از این موضوع خشمگین شد و سفرای خود را از استرالیا و آمریکا (و نه بریتانیا) فراخواند، بلکه آن را خنجری از پشت نیز دانست و اعتمادپذیر بودن آمریکا را به زیر سوال برد. به طور کلی، پس از اعلام چرخش فرانسه در سال ۲۰۱۸ به سمت منطقه ایندوپاسیفیک و گفتگوهای سه جانبه وزرا سه کشور فرانسه، هند و استرالیا، فرانسه خود را به عنوان

۱ توافق برای مشارکت هسته‌ای صلح‌آمیز

2 Barracuda-Class Submarine
3 Blue-Water Navy
4 Littoral Naval Warfare
5 Submarine Warfare
6 Anti-Submarine Warfare (ASW)

یک کشور پیشرو در سطح اتحادیه اروپا در رابطه با این منطقه و حتی تا حدی در تضاد با راهبرد متعادل آلمان نسبت به آن، مطرح کرد. بدین منظور، فرانسه نه تنها دیپلماسی منطقه‌ای خود را از طریق سازمان‌های بین‌المللی شدت بخشید، بلکه تلاش کرد تا با استفاده از حضور سرزمین‌هایش^۱ در منطقه ایندوپاسیفیک، خود را به عنوان یک بازیگر محلی و منطقه‌ای و نه یک قدرت خارجی و مداخله‌گر نشان دهد. علاوه بر آن، فرانسه اولین کشوری بود که راهبرد ایندوپاسیفیک را اتخاذ و سند آن را در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد که این امر در ایجاد شاکله‌های تدوین سند نسبت به منطقه ایندوپاسیفیک حائز اهمیت بود. پس از آن، آلمان در سپتامبر ۲۰۲۰ و هلند در نوامبر ۲۰۲۰ دو کشور دیگر اروپایی بودند که سند راهبرد خود در رابطه با این منطقه را منتشر ساختند.

اما تدوین راهبرد از سال ۲۰۱۸ به بعد به معنی عدم حضور پیش از این تاریخ در منطقه شرق آسیا نبوده و کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال‌ها پیش در منطقه ایندوپاسیفیک حضور داشته‌اند؛ اگرچه این حضور عمدتاً اقتصادی بوده است. با این حال، در دوره فعلی و به خصوص پس از تدوین راهبردهای ایندوپاسیفیکی، موضوعات امنیتی و دفاعی نیز به آن اضافه شده‌اند. به عنوان مثال، سند راهبردی اتحادیه اروپا نسبت به این منطقه تحت عنوان «استراتژی برای همکاری در ایندوپاسیفیک» که همزمان با اعلام توافق آکوس منتشر گردید، نیز موید همین امر است و اتحادیه اروپا حوزه‌های عملیاتی خود در منطقه ایندوپاسیفیک را شامل ۷ حوزه شکوفایی جامع و پایدار^۲، گذار سبز^۳، حکمرانی اقیانوس^۴، مشارکت و حکمرانی دیجیتال^۵، اتصال^۶، دفاع و امنیت^۷ و امنیت انسان^۸ بیان کرده است (European Commission, 2021).

با توجه به این محورها می‌توان گفت که راهبرد اتحادیه اروپا با توافق آکوس و حتی کواد نیز هم‌پوشانی‌هایی دارد که شاید این موارد موجب هم‌افزایی بیشتر گردند. راهبرد اروپا در حوزه‌هایی نظیر دفاع و امنیت و فناوری‌های دفاعی پیشرفته با آکوس و در

¹ Territories

² Sustainable And Inclusive Prosperity

³ Green Transition

⁴ Ocean Governance

⁵ Digital Governance And Partnerships

⁶ Connectivity

⁷ Security And Defense

⁸ Human Security

موضوعاتی نظیر تغییر اقلیم، امنیت دریایی و حکمرانی دیجیتال با کواد^۱ مشترک است و احتمال شکل‌گیری همکاری‌هایی در آینده وجود دارد. اما این همکاری احتمالی در کوتاه مدت بعید است که شکل گیرد چرا که توافق آکوس و نحوه انجام آن، نوعی بی‌احترامی به اروپا بود و منجر به رنجش آن گردید. در واکنش اتحادیه اروپا به توافق آکوس و اعلام حمایت از فرانسه نیز این امر کاملاً مشهود است. از این رو احتمال آن وجود دارد که اروپا به سمت تقویت «استقلال راهبردی^۲» خود حرکت کند. رئیس کمیسیون اروپا، اورسولا فن در لین^۳ نیز از نوع برخورد با اروپا و به طور خاص فرانسه گلایه کرد و گفت: «با یکی از اعضای ما به نحوی برخورد شده است که قابل قبول نیست». تقویت استقلال راهبردی و حرکت به سمت تشکیل ارتشی اروپایی خواسته دیرپای فرانسوی‌هاست که توافق اخیر لزوم حرکت به سمت آن و پیگیری سیاست دفاعی مستقل از آمریکا را برای اروپایی‌ها یادآور شد.

علیرغم مشکلات ذکر شده، توافق آکوس به معنی عدم همکاری اتحادیه اروپا با آمریکا نیست چرا که اتحادیه اروپا به آمریکا برای دفاع از خود و برای متحد کردن اروپا نیازمند است و آکوس می‌تواند به منزله لزوم حرکت در مسیر پذیرش مسئولیت بیشتر در دفاع از خود (از سوی اتحادیه اروپا) تعبیر شود. جوزپ بورل هماهنگ‌کننده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز اگرچه از رفتار آمریکا گلایه داشته و گفته است که: «واکنش‌ها صرفاً در رابطه با توافق زیردریایی‌ها نیست، بلکه در رابطه با روابط اتحادیه اروپا و آمریکا و نقش اتحادیه اروپا در ایندوپاسیفیک است. فقدان مشورت و ارتباطات میان دو شریک نزدیک، مشکلات را ایجاد کرد. این امر منجر به ارائه تصویری منفی از عدم هماهنگی یا حتی تفرقه در غرب شده است.» (European Union External Action Service, 2021)، اما با این حال، او از ضرورت همبستگی غرب صحبت کرد و افزود که شراکت فرآتلانتیک، حیاتی و غیرقابل جایگزینی است. بنابراین اتحادیه اروپا اجازه نخواهد داد همبستگی‌اش با فرانسه، روابطش با آمریکا و استرالیا را تحت تاثیر قرار دهد.

1 Quad

2 Strategic Autonomy

3 Ursula Von Der Leyen

به نظر می‌رسد در سال ۲۰۲۲ فرانسه از ریاست خود در اتحادیه اروپا در جهت حرکت به سمت «استقلال راهبردی» استفاده خواهد کرد و علاوه بر برگزاری «اجلاس دفاعی»^۱ در بهار، حرکت در جهت «قطب نمای راهبردی» را نیز اتخاذ خواهد کرد. بنا به اعلام اورسولا فن در لاین، سال ۲۰۲۲ سال دفاع اروپایی خواهد بود. او گفته است که در جهان رقابتی، اروپا باید به سطح بعدی در تامین امنیت اعضا اتحادیه اروپا رفته و در ماموریت‌هایی که ناتو و سازمان ملل حضور ندارند، حاضر باشد (Leyen, 2021).

اروپا همچنین تلاش خواهد کرد تا از ورود به رقابت قدرت‌های بزرگ و حمایت از آمریکا در رقابت میان آمریکا و چین ممانعت کرده و تلاش دارد تا از طریق مشارکت با قدرت‌های متوسط منطقه، از بروز جنگ سرد جدیدی در منطقه پیشگیری کند. برخلاف آمریکا، کشورهای اروپایی هیچ علاقه و تمایلی برای ورود به مبارزه‌ای سیستمیک که طرفین آن چین و آمریکا باشند، ندارند و آن‌ها مایلند تا این موضوع را به روش اروپایی مدیریت کنند. تفاوت اصلی اروپا و آمریکا در همین موضوع و ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی و دغدغه‌های امنیتی در برخورد با چین است. از این رو شاهد تلاش آلمان برای انجام توافق جامع اتحادیه اروپا با چین در سال ۲۰۲۰ بودیم که آنگلا مرکل^۲ آن را «تلاشی درست و مهم برای روابط خوب استراتژیک با چین» توصیف کرد و اتحادیه اروپا آن را یک «داستان موفقیت‌آمیز» دانست (Burchard, 2020). وزیر امور خارجه فرانسه نیز آن را بخشی از راهبرد ایندوپاسیفیکی دانست که مدلی متفاوت از مواجهه نظامی را برای مواجهه با چین ارائه می‌دهد. این اختلاف را می‌توان در فقدان وجود یک راهبرد ایندوپاسیفیکی در ناتو نیز مشاهده کرد چرا که اعضا آن در رسیدن به توافق دچار مشکل خواهند شد که ریشه اصلی این امر را می‌توان در تفاوت در ادراک تهدید از چین و راهکار مواجهه با آن دانست.

به طور کلی، رابطه میان آمریکا و اروپا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ دچار آسیب شد. در آن دوره ترامپ تهدید به خروج از ناتو و وضع تعرفه بر فولاد اتحادیه اروپا نمود و در عین حال از برگزیت نیز حمایت کرد. علاوه بر آن، رویکرد «اول

1 Defense Summit

2 Angela Merkel

آمریکا^۱ ترامپ منجر به افزایش بی‌اعتمادی میان آمریکا و متحدان آن و به خصوص اعضای ناتو گردید. اما با رفتن دونالد ترامپ و روی کار آمدن جو بایدن، انتظار آن بود که اعتماد میان شرکا و متحدان آمریکا با آن مجدد احیا شود. جو بایدن نیز در اولین حضور در اروپا، در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۲۱، وعده بازگشت و احیا این اعتماد را داده بود. با این وجود، در دوره بایدن نیز شاهد برخی روندهایی نظیر عدم مشورت با متحدان به خصوص در رابطه با مسائلی چون خروج نیروها از افغانستان بوده‌ایم که توافق آکوس، دومین مورد از این دست است و این موارد، اروپا را دچار نوعی یاس نموده است.

۳،۱. فرانسه

همان‌طور که در بخش پیشین اشاره گردید، در میان کشورهای اروپایی، فرانسه بیشترین حضور را با توجه به عناصر سیاسی، دفاعی و جغرافیایی در منطقه ایندوپاسیفیک دارد. این کشور دومین «منطقه انحصاری اقتصادی^۲» بزرگ جهان (پس از آمریکا) را در اختیار دارد و دارای هزاران نیروی نظامی و ۱.۶ میلیون شهروند فرانسوی در منطقه ایندوپاسیفیک است. با استفاده از این موضوع، فرانسه تلاش دارد تا خود را به عنوان یک ساکن در منطقه ایندوپاسیفیک نمایش دهد. این عوامل پایه‌ای برای منافع فرانسه در منطقه محسوب می‌شود و لذا فرانسه منافع بیشتری در منطقه نسبت به سایر قدرت‌های اروپایی در منطقه ایندوپاسیفیک دارد.

در سال ۲۰۱۹، وزارت دفاع فرانسه در سندی تحت عنوان «راهبرد دفاعی فرانسه در ایندوپاسیفیک^۳» و وزارت اروپا و روابط خارجه این کشور نیز در سندی تحت عنوان «راهبرد فرانسه در ایندوپاسیفیک^۴» به اهمیت این منطقه پرداختند. با توجه به این اسناد می‌توان گفت که راهبرد کلی فرانسه با اتحادیه اروپا همسو است، اگرچه این اتحادیه به تازگی و در سال ۲۰۲۱ سند راهبرد خود در این منطقه را منتشر کرده است. علاوه بر آن، فرانسه برجسته‌ترین حضور را در منطقه ایندوپاسیفیک نسبت به هر کشور اروپایی

1 America First

2 Exclusive Economic Zone

3 France's Defence Strategy In The Indo-Pacific

4 The French Strategy In The Indo-Pacific

دیگری دارد. فرانسه در سال‌های گذشته چند ناوچه به مالزی فروخته است و به تازگی نیز قرارداد تسلیحاتی جدیدی بابت تامین ۳۶ جنگنده رافائل با هند منعقد کرده است (Brooke-Holland, Curtis, & Mills, 2021). فرانسه همواره به دنبال آن بوده است تا نقش این کشور به عنوان بازیگری محلی که دارای تعاملات عمیق اقتصادی است و مناسباتی مرتبط با انرژی و دفاع دارد شناخته شود و از این طریق، هنجارها در منطقه را شکل دهد. همچنین فرانسه تلاش کرده است تا نشان دهد هرگونه توافقی با این کشور، دارای شروط سیاسی و نظامی کمتری نسبت به آمریکا است تا از این طریق مشارکت و همکاری بیشتری را از سوی سایر کشورها جلب کند. اروپا و به طور خاص فرانسه درصدد آن هستند تا در بازی میان واشنگتن و پکن، تا حد امکان، بازی و ابتکار خاص خود را داشته باشند و به جای مواجهه مستقیم با چین، به دنبال تعقیب منافع خود باشند. البته فرانسه علاوه بر منافع اقتصادی، به دنبال منافع دفاعی و تکنولوژیکی نیز می‌باشد و حضور نظامی نسبتاً گسترده‌ای نیز در این منطقه دارد. این کشور همچنین تلاش دارد تا از طریق ایجاد مشارکت در منطقه، روابط خود را با شرکایش و به خصوص کشورهایی نظیر هند، تعمیق بخشد.

در رابطه با آکوس به طور خاص نیز، وزیر امور خارجه فرانسه توافق آکوس را خنجری از پشت بیان کرد و گفت که این توافق «رفتاری غیرقابل قبول در میان متحدان و شرکا» است. او همچنین بریتانیا را فرصت طلب دانست و گفت که این کشور (در منطقه) جایگاهی ندارد و افزود نقش آن در این پروژه مشخص نیست. آکوس مناسبات بریتانیا و فرانسه را نیز که پس از برگزیت کمی دچار تنش شده بود را پیچیده‌تر کرد و لودریان در این باره گفت که توپ در زمین بریتانیا است و «اگر بریتانیا می‌خواهد ادامه دهد، اعتماد باید بازسازی شود» (HM Government, 2021). همان‌طور که اشاره شد فرانسه جلودار چرخش به سمت ایندوپاسیفیک در اتحادیه اروپا بوده است که بابت توافق آکوس، آسیب‌های زیادی را متحمل شده است. این کشور که شریک و متحد هر سه کشور عضو آکوس است، با این تصمیم استرالیا افروخته شد؛ چرا که این کشور قراردادی دوجانبه در رابطه با تامین زیردریایی با استرالیا داشت و لغو این قرارداد، به معنی ضربه مالی شدیدی به صنعت نظامی فرانسه محسوب می‌شود. علاوه بر شکست

دیپلماتیک و تضعیف اعتماد میان فرانسه با این سه کشور، به اعتبار و پرستیژ آن نیز ضربه خورد. این توافق و حذف فرانسه همچنین نشان دهنده شکاف عمیقی است که میان آمریکا و بریتانیا با متحدان اروپایی خود و به خصوص فرانسه در نحوه مواجهه با چین ایجاد شده است. علت دیگر نارضایتی فرانسه از این توافق، برگزاری انتخابات پیش رو است که لغو قرارداد ساخت زیردریایی ممکن است بر نتیجه آن تاثیرگذار باشد. با لغو قرارداد فرانسه، این کشور در حدود ۳۶.۲ میلیارد دلار آمریکا ضربه خورد که پیامدهای مستقیم مالی برای دولت فرانسه خواهد داشت و شرکت فرانسوی که طرف قرارداد استرالیا بود اعلام کرده است که به دنبال دریافت خسارت خواهد بود. شکل‌گیری این توافق درست پیش از آنکه فرانسه تا چند ماه دیگر ریاست اتحادیه اروپا (در سال ۲۰۲۲) را در دست گیرد، قطعا پیامدهایی خواهد داشت که تعهد بر ایندوپاسیفیک و همچنین حرکت جدی‌تر به سمت استقلال استراتژیک اروپا از آن جمله‌اند. با این حال، علیرغم همه ناراحتی‌ها، فرانسه ناگزیر از بهبود روابط با استرالیا و آمریکا است و به عنوان نمونه، اگرچه فرانسه دیدار برنامه‌ریزی شده سه جانبه هند، استرالیا و فرانسه را لغو کرد، اما از این سازوکار خارج نشده و امکان احیای آن وجود دارد. همچنین فرانسه ممکن است بر شرکایی نظیر ژاپن و البته هند تاکید بیشتری ورزد.

۳،۲. بریتانیا

بازیگر دیگر، بریتانیایی است که از اتحادیه اروپا خارج شده و سودای بریتانیای جهانی را در سر دارد. این کشور تلاش داشت تا روابط خود را پس از برگزیت با اتحادیه اروپا و به خصوص فرانسه، با حفظ حرکت به سمت «بریتانیای جهانی»^۱ بهبود بخشد که آکوس این روابط را کمی تضعیف کرد. هم‌اکنون این کشور در حال شکل‌دهی به سیاست خارجی خود پس از برگزیت است که شاکله آن را می‌توان در سندی تحت عنوان «بریتانیای جهانی» که شامل نوعی «بازبینی یکپارچه»^۲ از سیاست خارجی بریتانیا است مشاهده کرد. این سند که بزرگ‌ترین بازبینی در زمینه سیاست خارجی، دفاعی و توسعه از زمان جنگ سرد تاکنون می‌باشد بر

1 Britain Global

2 Integrated Review

منطقه ایندوپاسیفیک تاکید خاصی داشته است. این سند در رابطه با اهمیت ایندوپاسیفیک آورده است که بریتانیا به منظور تامین امنیت خود نیاز به حضور در منطقه ایندوپاسیفیک دارد. سند مذکور این منطقه را مرکز رقابت ژئوپلیتیک می‌بیند که احتمال مشتعل شدن را در رابطه با برخی از اختلافات نظیر دریای جنوبی و شرقی چین، اشاعه هسته‌ای، تغییر اقلیم، تروریسم و جرائم سازمان یافته دارد.

I. بیشتر در سند «دفاع در عصر رقابتی»^۱ که توسط وزارت دفاع بریتانیا در مارس ۲۰۲۱ منتشر شد، وزیر دفاع کارکرد نیروهای دفاعی خود در منطقه شرق آسیا را به شرح ذیل تعریف کرده است:

II. افزایش ظرفیت‌سازی و آموزش در ایندوپاسیفیک و انجام اعزام‌های طولانی‌تر و بیش‌تر نظامی از طریق بهبود تاسیسات منطقه‌ای موجود؛

III. افزایش تعامل منطقه‌ای با ارسال ناوگروه ضربتی در سال ۲۰۲۱؛

IV. افزایش حضور دریایی در منطقه ایندوپاسیفیک (از طریق ارسال شناورهای گشتی فراساحلی از سال ۲۰۲۱، گروه پاسخ ساحلی از سال ۲۰۲۳، ناوچه‌های نوع ۳۱ در دهه آتی)؛

V. کمک بیشتر در سازوکار دفاعی پنج قدرت^۲؛

VI. پیگیری همکاری دفاعی نزدیک‌تر با کشورهای عضو آسه‌آن^۳؛

VII. تضمین‌بخشی دسترسی منطقه‌ای از طریق پایگاه‌های موجود بریتانیا در سرزمین‌های فرادریایی و توسعه تاسیسات آموزش ارتقا یافته در دقم عمان؛

VIII. تعمیق و گسترش روابط صنعتی دفاعی در منطقه با استرالیا، ژاپن، کره جنوبی و هند و همکاری در علم و فناوری؛

IX. گسترش شبکه مشاور و وابسته دفاعی و ایجاد خدمه دفاعی بریتانیایی جدید در استرالیا به منظور کار در کنار خدمه دفاعی موجود در سنگاپور و هماهنگی

فعالیت‌های دفاعی در منطقه (Ministry of Defense, 2021: 2-6).

1 Defence In A Competitive Age

2 Five Power Defence

3 ASEAN

بریتانیا معتقد است در راستای بریتانیا جهانی، باید توانمندی خود در همکاری با متحدان و شرکا و همچنین قدرت نظامی به روز خود را نشان دهد و این امر را در راستای روایت بریتانیا جهانی می‌داند. اعزام ناگروه ضربتی ملکه الیزابت که چندی پیش صورت گرفت نیز در همین راستا معنادار است که این ناگروه دربرگیرنده موارد ذیل است:

۱. دو ناوشکن نوع ۴۵ به منظور دفاع هوایی؛
۲. دو ناوچه ضدزیردریایی نوع ۲۳؛
۳. دو کشتی سوخت‌رسان و انبار کشتی؛
۴. زیردریایی کلاس استیوت؛
۵. یک ناوچه هلندی و یک ناوشکن آمریکایی؛
۶. ۱۸ اف-۳۵؛
۷. چهار بالگرد و ایلدکت؛
۸. ۷ بالگرد ضد زیردریایی مرلین؛
۹. همراهی ۴۲ کماندو نیروی دریایی سلطنتی (Brooke-Holland, 2021: 10-)

(13)

برای بریتانیا، توافق آکوس حرکت در مسیر سند بازبینی یکپارچه امنیتی، دفاعی، توسعه و سیاست خارجی است و این کشور آن را ضروری قلمداد کرده است؛ چرا که منطقه ایندوپاسیفیک را برای «اقتصاد، امنیت و اهداف جهانی» اش ضروری دانسته است. علاوه بر آن، آکوس فرصت‌های امنیتی و دفاعی را برای بریتانیا ایجاد می‌کند و طبق این توافق، علاوه بر زیردریایی، امکان همکاری در حوزه سایبر، هوش مصنوعی و فناوری‌های کوانتوم نیز وجود دارد. به عنوان مثال، توافق در رابط با زیردریایی می‌تواند احتمال اعزام زیردریایی توسط بریتانیا را به منطقه با توجه به ایجاد سازوکار حفظ و نگهداری و تاسیسات بندری در استرالیا، افزایش و فراهم سازد. با این حال برخی مخالفان در بریتانیا به ضرورت حفظ یوروآتلانتیک برای امنیت و همچنین توجه به تهدید روسیه و بررسی پاسخ احتمالی چین تاکید داشته‌اند (UK Parliament, 2021:2).

در نهایت باید گفت که عضویت در شورای امنیت سازمان ملل و شبکه اشتراک‌گذاری اطلاعات ۵ چشم (شامل بریتانیا، نیوزلند، آمریکا، استرالیا و کانادا)، عضویت در جی ۷ و کشورهای مشترک المنافع، آنگلوساکسون بودن و همچنین اعلام حذف کامل تجهیزات هوآوی از شبکه های نسل ۵ خود تا سال ۲۰۲۷ (UK Government, 2020)، از مهمترین عناصری بودند که باعث اعتماد و رضایت کامل آمریکا و استرالیا به بریتانیا و حذف فرانسه گردیدند.

۳،۳. استرالیا

در رابطه با استرالیا نکات حائز اهمیت، بیشتر ذکر شده‌اند اما به طور خلاصه می‌توان گفت که این پیمان به معنی اعطای نقش جدیدی به استرالیا در چارچوب راهبرد در ایندوپاسیفیک آمریکا می‌باشد. این کشور از آن جهت برای آمریکا حائز اهمیت است که تنها قاره جزیره‌ای جهان در دریای جنوبی چین است و نقش محوری در استراتژی آمریکا در این منطقه بازی می‌کند و آمریکا برای مهار چین، به بازیگری استرالیا نیاز دارد. در رابطه با زیردریایی هسته‌ای نیز، استرالیا در ابتدا از بریتانیا بابت همکاری در تولید زیردریایی‌های هسته‌ای کمک خواست (همانند کانادا) که پس از مشورت بریتانیا با آمریکا در این رابطه و موافقت آمریکا، مفهوم شراکت راهبردی و توافقی به نام آکوس ایجاد گردید و این همکاری در ذیل آن گنجانده شد. دغدغه‌های امنیتی استرالیا نیز علت دیگر شکل‌گیری این توافق بود. تنش چین با استرالیا نیز از سال ۲۰۱۶ به بعد نسبت به دوره پیش از آن، با توجه به برخی اتفاقات تشدید شد. استرالیا در سال ۲۰۱۶ قراردادی با استرالیا مبنی بر همکاری با فرانسه در زمینه تولید زیردریایی امضا کرد. پس از آن چین فشارها بر استرالیا را افزایش داد. به عنوان مثال چین آزادی آموزشی دانشگاه‌های استرالیا را تضعیف کرد، روزنامه نگاران استرالیایی را بازداشت کرد و اخیراً نیز فشارهایی بر واردات استرالیا وارد ساخت که درخواست استرالیا مبنی بر بررسی منشأ کوید ۱۹ نیز این موضوع را تشدید کرد. پس از آن استرالیا با اعلام حفاظت از امنیت ملی در برابر مداخله خارجی، هوآوی را از توسعه شبکه‌های بیسیم خود منع و اکثر پروژه‌های زیرساختی آن را لغو کرد که استمرار این وضعیت در تلاش استرالیا برای شکل‌گیری توافقی امنیتی با آمریکا حائز اهمیت بود.

۴. پیامدها

توافق آکوس طبیعتاً پیامدهای زیادی در سطح جهان داشته و خواهد داشت که مهمترین آن‌ها نشان دادن کاهش اهمیت اروپا در سطح راهبردی برای آمریکا بود. سایر پیامدهای این توافق عبارتند از:

۱. احتمال افزایش رقابت تسلیحاتی در منطقه شرق آسیا؛
۲. تضعیف پیمان عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای^۱ با انتقال دانش و فناوری ساخت زیردریایی هسته‌ای به استرالیا؛
۳. تلاش سایر کشورها برای دستیابی به زیردریایی هسته‌ای؛
۴. افزایش نگرانی امنیتی سایر بازیگران منطقه‌ای نظیر مالزی؛
۵. فشار بر متحدان و شرکا آمریکا به خصوص کشورهای حاضر در منطقه و اروپایی‌ها مبنی بر مشخص کردن موضع‌گیری خود در قبال چین: در واقع آکوس نشان داد که آمریکا منتظر اروپایی‌ها یا سایر متحدان برای همراهی علیه چین نخواهد شد و آن‌ها باید در دوراهی منافع اقتصادی و ضمانت‌های امنیتی، یکی را انتخاب کنند؛
۶. بهبود روابط میان سه کشور آکوس؛
۷. افزایش بی‌اعتمادی اروپا به آمریکا و افزایش احتمال حرکت اتحادیه اروپا به سمت استقلال راهبردی؛
۸. فرصت تاثیرگذاری بر معماری امنیتی ایندوپاسیفیک: توافق آکوس فرصت استراتژیک مغتنمی است که آمریکا بواسطه آن می‌تواند بر معماری امنیتی ایندوپاسیفیک تاثیرگذار بوده و از طریق این شراکت بلندمدت با استرالیا، سیستم‌ها و خدمات امنیت ملی پیچیده‌ای نظیر پیشران هسته‌ای، موشک‌های کروز، رادارها، سیستم‌های ارتباطاتی زیردریا و ... را به استرالیا بدهد؛
۹. افزایش فروش تسلیحاتی آمریکا و بریتانیا به منطقه؛

1 NPT

۱۰. فراهم کردن زمینه نقض پیمان عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای، معاهده لاهه در مورد جلوگیری از گسترش موشک‌های بالستیک^۱ و رژیم کنترل فناوری موشکی^۲: عنصر دیگر آکوس که کمتر به آن پرداخته شده ولی باعث نگرانی است، دستیابی استرالیا به موشک‌های کروز زمین پایه تام هاک آمریکا است که اگرچه به طور مستقیم ناقض رژیم کنترل فناوری موشکی نیست، اما زمینه‌ای برای رقابت در این زمینه فراهم می‌سازد؛

۱۱. نمایش فرانسه و اتحادیه اروپا به عنوان بازیگران فرعی؛

۱۲. افزایش رفتار تهاجمی چین در منطقه: چین نیز ممکن است مسیر تولید زیردریایی‌های هسته‌ای خود و همچنین توانمندی‌های نظامی خود را در پاسخ به این توافق در منطقه افزایش دهد که این امر شامل افزایش آزمایش‌های موشکی، برگزاری رزمایش‌ها و ... خواهد شد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان گردید، آمریکا رقابت خود با چین را در ذیل راهبرد کلانی به نام برتری‌گرایی تعریف کرده است که مهمترین عناصر آن شامل ضرورت مقابله تضعیف نقش رهبری آمریکا، تهاجمی‌تر شدن رفتار ایالات متحده، جذب متحدان دارای توان رقابت با چین، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در برخی توانمندی‌ها نظیر فناوری‌های نوین نظامی، تغییر روند توزیع قدرت و تحدید توان سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌باشند. این عناصر را به وضوح می‌توان در اسناد بالادستی آمریکا نظیر راهبرد دفاع ملی این کشور در سال ۲۰۱۸ و ضرورت انجام موازنه مطلوب و اظهار نظر مقامات آمریکایی مشاهده نمود. بنابراین رقابت با قدرت‌های بزرگ صرفاً شامل حفظ نظم بین‌المللی یا مسدود ساختن هژمونی منطقه‌ای چین نیست، بلکه تلاش برای بازپس‌گیری تسلط آمریکا پیش از ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ نیز حائز اهمیت است که آخرین نمونه از این قبیل اقدامات، پیمان آکوس می‌باشد که مفاد آن پیمان و اقدام آمریکا برای کسب برتری فناورانه و سرمایه‌گذاری در این حوزه، جذب متحدان و توانمندسازی آنان (استرالیا) و تلاش برای تغییر ایجاد نظم منطقه‌ای از این طریق، می‌تواند موید استفاده از راهبرد کلان

1 Hague Code Of Conduct Against Ballistic Missile Proliferation

2 The Missile Technology Control Regime (MTCR)

برتری‌گرایی نوین باشد. بنابراین می‌توان گفت که آمریکا مدت‌هاست به این نتیجه رسیده است که باید به جهت مقابله با رقبا خود در رقابت با قدرت‌های بزرگ، از حداکثر ظرفیت متحدان و شرکا استفاده کند که در این رقابت، ایندوپاسیفیک مهم‌ترین منطقه و چین مهم‌ترین چالش تلقی می‌شود. از این رو آمریکا در پی ایجاد سازوکاری است که در آن بتواند به دغدغه‌های مدنظر خود با کمترین هزینه پاسخ دهد که آکوس را می‌توان نتیجه چنین نگاهی دانست. اما از طرف دیگر سایر متحدان و شرکا آمریکا نظیر اتحادیه اروپا و به طور خاص فرانسه، تمایلی به مواجهه مستقیم با چین نداشته و به دنبال سازوکار اروپایی خود می‌باشند که تلفیقی از رقابت و همکاری‌های اقتصادی می‌باشد. این بی‌میلی را می‌توان از مهم‌ترین دلایل حذف اروپاییان و به خصوص فرانسه از آکوس و پیمانی نظامی در منطقه ایندوپاسیفیک دانست. در واقع آمریکا به دنبال ترسیم مرزهای مشخص است و از کشورها می‌خواهد تا آن‌ها نیز موضع خود را در قبال چین مشخص سازند. به عبارت دیگر، آکوس و حذف اروپایی‌ها از آن محصول چنین فضایی است؛ چرا که اگرچه بیانیه مشترک آمریکا، بریتانیا و استرالیا در آکوس به طور آشکار از ذکر نام چین پرهیز کرد، اما به وضوح مشخص بود که علت اصلی تشکیل آن مقابله با رفتار چین نسبت به استرالیا و همچنین افزایش روزافزون قدرت نظامی آن بود. علاوه بر آن، آکوس تلنگری به سایر متحدان آمریکا به خصوص اروپا نیز می‌باشد که باید موضعی فعالانه‌تر در خصوص دغدغه‌های امنیتی آمریکا اتخاذ کنند و در غیر اینصورت ممکن است آمریکا تضمین‌های امنیتی خود به آن‌ها را کاهش دهد. آمریکا با توجه به راهبرد برتری‌گرایی خود طبیعتاً به سمت افزایش فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی به چین حرکت خواهد کرد که این امر منجر به افزایش تنش‌ها در منطقه نیز خواهد شد. از این رو، به همراهی کامل متحدان و شرکا خود و نه بازی دوطرفه آنان نیاز دارد. این توافق که خود نشانگر وجود اختلاف در روابط فرآتلانتیک و اعتماد خاص آمریکا به کشورهای آنگلو ساکسون است، دارای پیامدهای مختلفی نظیر تضعیف پایبندی به عدم اشاعه هسته‌ای، افزایش رقابت تسلیحاتی، کاهش اعتماد اروپایی‌ها به آمریکا، تاکید بیشتر اروپا بر مفهوم استقلال راهبردی و تهاجمی‌تر شدن چین در منطقه می‌باشد.



- Abbondanza, G. (2021). *The AUKUS Partnership: A Wake-up Call for Europe*. Sydney: Istituto Affari Internazionali (IAI). Retrieved from <https://www.iai.it/sites/default/files/iaicom2153.pdf>
- Air Sea Battle Office. (2013). *Air Sea Battle: Service Collaboration to Address Anti-Access & Area Denial Challenges*. Washington, D. C.: U.S. Department of Defense. Retrieved from <https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/ASB-ConceptImplementation-Summary-May-2013.pdf>
- Biden, J. (2020). *Press Release - Readout of the President-elect's Foreign Leader Calls*. Retrieved from The American Presidency Project: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/press-release-readout-the-president-elects-foreign-leader-calls-0>
- Borrell, J. (2021). *A Strategic Compass to make Europe a Security Provider*. Europea Union External Action Service. Retrieved from Europea Union External Action Service: https://eeas.europa.eu/sites/default/files/foreword_-_a_strategic_compass_to_make_europe_a_security_provider.pdf
- Brands, H., & Cooper, Z. (2019). After the Responsible Stakeholder, What? Debating America's China Strategy. *Texas National Security Review*(2), 69-81. doi:doi.org/10.26153/tsw/1943
- Brooke-Holland, L. (2021). *House of Commons*. House of Commons. Retrieved from Integrated Review 2021: The defence tilt to the Indo-Pacific October: <https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/CBP-9217/CBP-9217.pdf>
- Burchard, H. (2020). *Politico*. Retrieved from Merkel pushes EU-China investment deal over the finish line despite criticism: <https://www.politico.eu/article/eu-china-investment-deal-angela-merkel-pushes-finish-line-despite-criticism/>
- Carr, A. (2022). A Model Alliance? The Strategic Logic of US-Australia Cooperation. *The Washington Quarterly*, 51-66.
- Cancian, M. (2020). *U.S. Military Forces in FY 2021*. Center for Strategic and International Studies.
- Cherney, M. (2021). *The Wall Street Journal*. Retrieved from Australia Cancels China Infrastructure Deal, Citing National: <https://www.wsj.com/articles/australia-cancels-china-infrastructure-deal-citing-national-interest-11619089407>

- Choi, S. (2020). *ROKN'S NUCLEAR-POWERED SUBMARINE ACQUISITION*. MONTEREY, CALIFORNIA: Naval Postgraduate School.
- Edelman, E., & Routhead, G. (2018). *Providing for the Common Defense: The Assessments and Recommendations of the National Defense Strategy Commission*. Retrieved from United States Institute of Peace: <https://www.usip.org/publications/2018/11/providing-common-defense>
- European Union External Action Service. (2021). Retrieved from United Nations General Assembly: One week in New York: https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/104654/united-national-general-assembly-one-week-new-york_en
- European Union External Action Service. (2021). Retrieved from EU-US relations: Speech by High Representative/Vice-President Josep Borrell at the EP Plenary: https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/105110/eu-us-relations-speech-high-representativevice-president-josep-borrell-ep-plenary_en
- (2020). *Force Structure Plan*. Commonwealth of Australia.
- Genugten, S. (2021). *Middle East Institute*. Retrieved from The EU's Strategic Compass: Preparing to navigate MENA "with less US": <https://www.mei.edu/publications/eus-strategic-compass-preparing-navigate-mena-less-us>
- Hart, M., & Magsamen, K. (2019). *Limit, Leverage, and Compete: A New Strategy on China*. Retrieved from Americanprogress: <https://www.americanprogress.org/article/limit-leverage-compete-new-strategy-china/>
- Hawke, J. (2021). *ABC News*. Retrieved from Boris Johnson hails AUKUS during party conference speech full of jokes but short on policy: <https://www.abc.net.au/news/2021-10-07/boris-johnson-hails-aukus-conservative-conference-speech/100519746>
- Heginbotham, E., Nixon, M., Morgan, F., Heim, J., Hagen, J., Li, S.,.... Shlapak, D. (2015). *The U.S.-China Military Scorecard: Forces, Geography, and the Evolving Balance of Power, 1996–2017*. Santa Monica, Calif: RAND Corporation.
- HM Government. (2021). *Global Britain in a Competitive Age: the Integrated Review of Security, Defence, Development and Foreign Policy*. UK Government. Retrieved from Global Britain in a Competitive Age: the Integrated Review of

Security, Defence, Development and Foreign Policy: https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/975077/Global_Britain_in_a_Competitive_Age_the_Integrated_Review_of_Security_Defence_Development_and_Foreign_Policy.pdf

Human Rights Watch. (2021). Retrieved from They Don't Understand the Fear We Have: How China's Long Reach of Repression Undermines Academic Freedom at Australia's Universities: <https://www.hrw.org/report/2021/06/30/they-dont-understand-fear-we-have/how-chinas-long-reach-repression-undermines#>

Joint Publication 3-32. (2021). *Joint Maritime Operations*. Washington, D.C.: Joint Chiefs of Staff. Retrieved from https://irp.fas.org/doddir/dod/jp3_32.pdf

Kajiwara, M. (2020). Underwater Competition in the Indo-Pacific. In A. VUVING, *Hindsight, Insight, Foresight: Thinking About Security in the Indo-Pacific* (pp. 191-209). Maluhia Rd, Honolulu: Daniel K. Inouye Asia-Pacific Center for Security Studies.

Lazarou, E., & Latici, T. (2021). *European Parliament*. Retrieved from The European Union's 'Strategic Compass' process: https://www.europarl.europa.eu/EPRS/graphs/EPRS_Strategic_Compass_final.pdf

Leyen, U. v. (2021). *European Commission*. Retrieved from 2021 State of the Union Address by President von der Leyen: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/SPEECH_21_4701

Lindley-French, J. (2021). Retrieved from Operation Hookless: <https://lindleyfrench.blogspot.com/2021/09/operation-hookless.html>

Minister for Foreign Affairs, Government of Australia. (2021, September 16). Retrieved from Australia to Pursue Nuclear-powered Submarines through New Trilateral Enhanced Security Partnership: <https://www.foreignminister.gov.au/minister/marise-payne/media-release/australia-pursue-nuclear-powered-submarines-through-new-trilateral-enhanced-security-partnership>

Ministry of Defense. (2021). *Defence in a competitive age*. Ministry of Defense. Retrieved from <https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/sy>

- stem/uploads/attachment_data/file/974661/CP411_-
Defence_Command_Plan.pdf
- NDS. (2018). *Summary of the National Defense Strategy: Sharpening the American Military's Competitive Edge*. Washington, D. C.: Department of Defense. Retrieved from <https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf>
- Novita, A. A. (2022). AUKUS Alliance: United States Strategic Interest in Indo-Pacific. *Jurnal Diplomasi Pertahana*, 1-14. Retrieved from <https://jurnalprodi.idu.ac.id/index.php/DP/article/download/883/787>
- NSS. (2017). *US Government*. Retrieved from National Security Strategy of the United States of America: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
- NSS. (2021). *Interim National Security Strategy Guidance*. Washington, D. C.: The White House. Retrieved from Interim National Security Strategy Guidance: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2021/03/NSC-1v2.pdf>
- O'Rourke, R. (2017). *Navy Virginia (SSN-774) Class Attack Submarine Procurement: Background and Issues for Congress*. Washington, D. C.: Congressional Research Service.
- O'Rourke, R. (2021). *China Naval Modernization: Implications for U.S. Navy Capabilities—Background and Issues for Congress*. Washington, D. C.: Congressional Research Service.
- Pant, H., & Kamath, R. (2021). *AUKUS and the Indo-Pacific: Stakeholders Weigh their Wins and Losses*. Observer Research Foundation. Retrieved from https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2021/12/ORF_SpecialReport_173_AUKUS.pdf
- Pence, M. (2018). *Remarks by Vice President Pence on the Administration's Policy toward China*. Retrieved from The White House: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/briefings-statements/remarks-vice-president-pence-administrations-policy-toward-china/>
- Pompeo, M. (2020). *Communist China and the Free World's Future*. Retrieved from U.S. Department of State: <https://2017-2021.state.gov/communist-china-and-the-free-worlds-future-2/index.html>

- Remeikis, A. (2021). *The Guardian*. Retrieved from Aukus row: EU officials demand apology from Australia over France's treatment before trade talks: <https://www.theguardian.com/australia-news/2021/sep/21/aukus-row-european-union-demands-apology-from-australia-over-frances-treatment-before-trade-talks>
- Satoru, M. (2022). The Biden Administration's First Year in the Indo-Pacific: Balancing, Order-Building and Managing Competition with China. *Asia-Pacific Review*, 77-106.
- Shifrinson, J. I. (2020). Neo-Primacy and the Pitfalls of US Strategy toward China. *The Washington Quarterly*, 43(4), 79-104. doi:10.1080/0163660X.2020.1849993
- Staunton, E., & Day, B. (2022). Australia-France relations after AUKUS: Macron, Morrison and trust in International Relations. *Australian Journal of International Affairs*.
- TURCAT, A. (2021). *Ouest France*. Retrieved from Sous-marins: il faut «une réflexion collective des Européens» selon Jean-Yves Le Drian: <https://www.ouest-france.fr/politique/jean-yves-le-drian/entretien-sous-marins-il-faut-une-reflexion-collective-des-europeens-selon-jean-yves-le-drian-576ce24e-1963-11ec-9157-8f6c96dcb1bb>
- U.S. Naval War College. (2013). Retrieved from Air-Sea Battle: Service Collaboration to Address Anti-Access & Area Denial Challenges: <https://digital-commons.usnwc.edu/csf/1/>
- UK Government. (2020). Retrieved from Huawei to be removed from UK 5G networks by 2027: <https://www.gov.uk/government/news/huawei-to-be-removed-from-uk-5g-networks-by-2027>
- UK Parliament. (2021). Retrieved from AUKUS: <https://hansard.parliament.uk/commons/2021-09-16/debates/4835BC3D-E0BF-43E0-9A3B-9BCC5B77DF7F/AUKUS#contribution-936013F4-7BB7-4999-A642-08B6D9304D1C>
- US Department of Defense. (2019). Retrieved from Indo-Pacific Strategy Report: Preparedness, Partnerships and Promoting a Networked Region: <https://media.defense.gov/2019/Jul/01/2002152311/-1/-1/1/DEPARTMENT-OF-DEFENSE-INDO-PACIFIC-STRATEGY-REPORT-2019.PDF>
- US Department of State. (2019, November 04). Retrieved from Free and Open Indo-Pacific: Advancing a Shared Vision:

- <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/11/Free-and-Open-Indo-Pacific-4Nov2019.pdf>
- Vaughn, B., & Mix, D. (2022). *AUKUS and Indo-Pacific Security*. Washington, D. C.: Congressional Research Service. Retrieved from <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF12113>
- Weart, S. (2012). *The Rise of Nuclear Fear*. Cambridge: Harvard University Press.
- Wescot, B. (2021). *CNN*. Retrieved from China's 'Political Pressure' on Australian Economy isn't Working: <https://www.cnn.com/2021/09/06/economy/australia-china-economy-trade-intl-hnk/index.html>
- Wright, T. (2017). *All Measures Short of War: The Contest for the Twenty-First Century and the Future of American Power*. Yale University Press.

۱۸۲



پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره دوازدهم،
شماره دوم، شماره
پیاپی چهل و پنج،
تابستان ۱۴۰۱